



بیشتر از یک نفر...

محمد پیام بهرام پور: بسیار عالی، خُب یه معرفی مختصر محبت کنید.

علی حاجی محمدی: سلام

حضار: سلام

**علی حاجی محمدی:** خیلی خوشحالم که تو جمعتون هستم یه معذرت خواهی هم می خوام بکنم از شما بخاطر اینکه دیر اومدم، خواهش می کنم، اسنپ گرفته بودم که استرس آدرس پیدا کردن، جا پیدا کردن نداشته باشم ولی استرسم دوچندان شد هم باید به راننده ی اسنپ آدرس می دادم هم باید آرومش می کردم می گفتم آقا نگران نباش می رسیم، خلاصه استرسم دوچندان شد. قدیما کلاً فامیلیا نصف فامیلیا محمدی بود نصف فامیلیا یه سری چیز دیگه ما هم از همون نسل محمدی هستیم که جدمونم خیلی بیکار بوده می رفته مکه.

محمد پیام بهرام پور: دائماً

**علی حاجی محمدی:** آره راه به راه می رفته مکه بعد بهش صفت حاجی دادند الان فامیلی من حاجی محمدی. در حول وحوش هفت هشت ده سال پیش که تازه با دنیای آی تی آشنا شده بودم و علاقه مند شده بودم به این حوزه، تنها منبعی که مطالعه می کردم روزنامه ی جام جم ضمیمه کلیک یکشنبه ها بود ا یه صفحه ای داشت ترفندهای کامپیوتر یه صفحه هم داشت ترفندهای موبایل اون زمان ها سرچ ان سرچ ورژن پنج ورژن سه نوکیا ان هفتاد و سه هشتاد و پنج خلاصه اون صفحه رو خیلی می خوندم طوری که یه کالکشن اینقدی چیده بودم واسه خودم ضمیمه نگه داشته بودم آرشیو کرده بودم. اینقدر به این ضمیمه ی کلیک علاقه مند شده بودم و از اون ور سایت پی سی دانلود می رفتم یه سایتی زدم به اسم پی سی کلیک ادغامی از این دو تا، شروع کردم کار نرم افزاری کردن اینا مثلاً اون زمانم کسی نبود ما راهنمایی کنه مشاوره کنه که آقا این کارای تو اصلاً به درد نمی خوره این دانلود نرم افزاری که داری کپی می کنی از مثلاً سایت پی سی دانلود به چه درد تو می خوره؟ همین جور کار می کردیم و خوشحال بودیم که وب سایت داریم، روزنامه کلیک هم دائماً می خوندم. چهار، پنج سال گذشت و سایتیم همچنان کار می کرد اما حالا بازدید و رتبه و اینها هم داشت ولی خُب زیاد پولی واسه ما نمی ساخت، تقریباً هیچی نمی ساخت و در کنارش حالا یه کارای کوچک طراحی سایتی می کردیم و اینا بعد دیگه یه برهه ی زمانی به خودم اومدم گفتم بابا تهش چی؟ حالا چهار سال گذشت، پنج سال گذشت، حالا هرچه هم بگذره بازم درست پیش نمی ره. سایت رو فروختم به قیمت هفتصد هزار تومان فروختم باهش رفتم دوچرخه خریدم، یه دوچرخه خریدم چون اصفهانم زندگی می کردم خیلی اصفهان فلته جون می ده واسه دوچرخه سواری، از خونه تا مدرسه تا پیش دانشگاهی با دوچرخه می رفتیم.

محمد پیام بهرام پور: شما اصفهانی هستید؟



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** اصفهانی هستم

**محمد پیام بهرام پور:** برنامه کنسل شد

**علی حاجی محمدی:** کیا اصفهانی هستند؟ ای ول

**محمد پیام بهرام پور:** به افتخارشون، تیرمون به سنگ خورد نمی تونیم بگیریم

**علی حاجی محمدی:** خدمت شما عرض کنم یه تا پیش دانشگاهی من کار وب سایتو با سی ام اس های مختلف کار می کردم و همین سایت پی سی کلیک که بهتون گفتم، سایتی رم هفتصد هزار تومان فروختم با تمام عشق و علاقه فک کنم نمی دونم چی شد که سایتی فیلتر شد بعد یه ماه فیلتر شد دیگه کلاً بی خیالش شدم و چسبیدم به درس خوندن دانشگاه دولتی آرزوی ماها بود آرزوی خیلی غلطی که داشتیم بعد قبول شدم دانشگاه دولتی یه سال هم خُب مثل بچه درس خونا درس خوندم و خوب کار کردم و بعد یه سال دیدم که حس کردم دانشگاه زیاد تفاوتی با دبیرستان نمی کنه.

**محمد پیام بهرام پور:** عنی همون ترجیح دادند برن سراغ همون سایتی فیلتر

**علی حاجی محمدی:** آره دوباره برم سراغ سایت و اینها، بعد دیگه کار طراحی سایت می کردم کلاً درآمد دانشجوییم از اینجا بود سیستم های مختلفی هم کار می کردم سایتی موزیک که مثلاً با پی اچ پی نیوک بود بعد یه سری سایتا با دیتابیس سیستم روسی بود بعد تازگی ها یه چیزایی پیدا کرده بودم شش هفت سال پیش به اسم وردپرس بعد اومدم شروع کردم به طراحی هرچی سرچ می کردم اصلاً هیچ سایت فارسی درست و حسابی نمی اومد تماماً انگلیسی سرچ می کردم پیدا می کردم کلی با این کدها بازی می کردم با پلاگینا بازی می کردم بعد دیدم من که دارم این قد زمان میدارم پیام اینو شیرش کنم با بقیه افراد دیگه که میخوان وارد حوزه ی وردپرس بشن بعد یه سایتی تاسیس کردم به اسم وردپرس نودوهشت دات کام اسمش رو گذاشتم همیار ورد پرس اینو دقت کنید وردپرس نودوهشت دات کام چون می خوام یه خاطره ای بعدش بهتون بگم بعد این همیار ورد پرس رو راه اندازی کردم و بدون هیچ فکر تجاری.

**محمد پیام بهرام پور:** بن نود وهشت از کجا اومد؟

**علی حاجی محمدی:** نودوهشت کد ایران بود خلاقیت خودم بود.

**محمد پیام بهرام پور:** زنده باد بله، مرسی، مثلاً بهرام پور نودو هشت اینطوری مثلاً مرسی آ بله یا دوصفر نودو هشت به هر حال اینا

**علی حاجی محمدی:** بعد خدمتون عرض بکنم که ما تا کجا پیش رفتیم؟ تا همیار وردپرس تاسیسش گفتم.



**محمد پیام بهرام پور:** خب اینجاش تا اینجاش که بدبختیاتون بود یه چیزی بگید چون بگیریم یه کم بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** دمتتون عرض بکنم خیلی روی محتوا کار می کردم یعنی هرچی یاد می گرفتم می داشتتم آموزش از ب بسم الله تا آخر یعنی مطالب می داشتتم خیلی جالب سایتمم خیلی داغون بود دیزاینش یعنی شما برید الان سایت آرشیو دات او آر جی قسمت وبش بزیند وردپرس نودوهشت دات کام می ره واستون سال دوهزارو ده رو میاره نشون می ده سایت چه شکلی بوده؟

**محمد پیام بهرام پور:** ببخشید دوستان آقای حاج محمدی فنی اند خُب، اینجوری نگاشون نکنید، اینایی که پشت سر هم الان گفتند فحش نبود خیلی دوستمون دارند، یه سایتی هست به اسم آرشیو دات کام درسته؟ دات او آر جی، میاد سابقه سایتا رو نشون می ده که گذشته چه شکلی بوده و اینها و میتونیم ببینیم که ا قدیم گوگل چه شکلی بوده مثلاً مایکروسافت، دیجی کالا چه شکلی بوده هر سایتی، پس آرشیو دات او آر جی، خُب وسایت ایشون هم همون وردپرس نودوهشت دات کام اینو بزیند قیافه شو می تونید ببینید ببخشید من باید ترجمه کنم بعضیاش رو

**علی حاجی محمدی:** نه منم سعی می کنم یه ذره...

**محمد پیام بهرام پور:** مرسی

**علی حاجی محمدی:** خدمتتون عرض بکنم سایتو زدم محتوا ریختم داخلش بدون هیچ هدف تجاری من اصلاً درآمد از طراحی سایت بود و رویام این بود که ماهی سه تا دونه پروژه بگیرم درآمدش دویست تومان سه تا میشه ششصد تومان دیگه خیلی مایه دار می شدم به قولی اون زمان ماهی ششصد تومان درآمد داشتیم.

**محمد پیام بهرام پور:** چه سالی؟

**علی حاجی محمدی:** سال نود

**محمد پیام بهرام پور:** نود

**علی حاجی محمدی:** نود آره هشتادونه نود، بعد خدمتتون عرض کنم محتوا رو که میذاشتم گوگل اون زمونا رتبه می داد الان دیگه رتبه نمی ده، نمره می داد نمره از صفر تا ده نمره می داد، نمره هرچه بیشتر باشه بهتره یا کمتر؟

**حضار:** بیشتر

**علی حاجی محمدی:** بیشتر باشه، برعکس رتبه، برعکس رتبه کنکور، خدمتتون عرض کنم نمره می داد از صفر تا ده به سایتا نمره می داد سایتای خوب مثلاً اون زمان میهن دانلودو پی سی دانلود و اینها بودند سه



بیشتر از یک نفر...

بودند یا چهار بودند اون زمان به من رتبه ی شش داد که من اصلاً خودم خشکم زد و فهمیدم یکی از علل موفقیت می تونه محتوای خوب باشه. رتبه ی شش رو داد منم خودم اطلاع نداشتم یه سری دوستان بهم گفتند رتبه ی شش رو داد یه سری دیگه از دوستان که همیشه در صحنه هستند و همیشه حسادت می کنند گفتند که نه رتبه ی شش زیاد خوشحال نباش سه روز دیگه ازت می گیره ، منم گفتم اوکی من اصلاً کاری ندارم من طراحی وب خودم رو می کنم به آرزوی ششصد تومان خودم می رسم بعد یه دو ماه گذشت و نمره رو ازمون نگرفت همونجوری شش موندیم بعد شروع شد یه سری میل هایی اومدند پیشنهادهای تجاری که آقا تبلیغات سایت مارا بذار توی سایت، سایت ما را معرفی کن ما شرکت هاستینگ هستیم، ما شرکت طراحی وب هستیم ما رو معرفی کن منم گفتم اوکی باشه بعد یکیشون گفت: ماهی صد تومان می دم یکی دیگه گفت ماهی صد و پنجاه می دم بعد همینجور سه چهار تا ماهی صدتومان صد و پنجاه تومان یههه دیدم این پولی که پولی که می خواستم با جون کردن و با بیست و چهار ساعته کار کردن در بیارم به یه ماه بخر گذاشتن در میارم بعد این شد که دیگه همیار یه ذره تجاری شد یه ذره تجاری شد یعنی محتوا همچنان می داشتم خودم تنها یه سایه بار اضافه شد تبلیغات می داشتم این رسیدم به درآمد ششصد تومان کافیه یا...

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی، دیگه الا همین با همین دارن گذران زندگی می کنند دیگه البته تورم امسال رو لحاظ کردند یکی از شرکت ها گفته صد و هفتاد و پنج میده یعنی الان ششصد و بیست و پنج رو دیگه ان شا الله دارند، خُب الان چطوره؟ اول یه سوال؟ نمی دونستید دارید اون موقع چکار می کنید نه؟

**علی حاجی محمدی:** اون موقع من نه فقط محتوا می داشتم و اصلاً وارد بعد تجاری نشده بودم و چون اصفهانم که بودم با عرض معذرت خدمت اصفهانی ها الان خیلی الان تفکرها عوض شده من اونجا با فردی شریک بودم یعنی دو سه سال، یه سال بعدش یه شرکت گرفتم تو خیابون میر داماد بعدشم رفتم خیابون هشت بهشت دو تا اونجا شرکت داشتم اصفهان و تفکر شریک من اینجوری بود که ماها همینیم دیگه تهش همینیم تهش می شیم طراح وب. احتمالاً خیلی پیشرفت کنیم بجای مثلاً دوپست تومان سال دیگه پانصد تومان پول می گیریم بعداً خیلی تفکر مریضی بود و دوستم واقعاً واسش متاسفم و هنوزم اون تو همون تفکر مونده

**محمد پیام بهرام پور:** می خواهید هماهنگ کنیم با بچه ها بریم بزیمش؟

**علی حاجی محمدی:** نه

**محمد پیام بهرام پور:** هستند آ چند نفر میاند؟ ببینید هستند پایه داریم همیشه

**علی حاجی محمدی:** تو همه ی زمینه ها



بیشتر از یک نفر...

محمد پیام بهرام پور: هستند بچه ها در صحنه اند خیلی

علی حاجی محمدی: خیلی بیشتر از دو سه نفرند

محمد پیام بهرام پور: خیلی بیشتر بله؟

حضار: بله

محمد پیام بهرام پور: مرسی

علی حاجی محمدی: آره نمی دونستم چکار می کنم فقط اینکه خوشحال بودم محتوا می دارم چهار نفر میانند کامنت می دارند و یه مثلاً پانصد ششصد تایی هم بازدید کننده دارم خوشحال بودم که دارم دیده می شم همین.

محمد پیام بهرام پور: بسیار عالی، خُب بعد الان کجا یید چکار می کنید

علی حاجی محمدی: الانم که تهرانیم دیگه

محمد پیام بهرام پور: همین دیگه

علی حاجی محمدی: یه در حول وحوش سه سالیم هست اومدم تهران با تکیه بر خونه ی مادر بزرگم که مادر بزرگم هست من خونه ش زندگی می کنم یه اتاق از دفتر هم می گیرم و اوکی میشه بعد سه ماه که گذشت مادر بزرگم فوت کرد و انحصار ورثه کردند و ما هم یه پوله داشتیم رفتیم بیرون

محمد پیام بهرام پور: الان کجا کارتن می خوابید؟ خُب الان اوضاع همیار وردپرس رو می گید؟ یعنی پس عملاً از شرایط خیلی پایین بعد مثل همه یعنی داستان تکراری موفقیت همه ی آدماست از یه شرایط بدی شروع کردند اگه شرایطتون خوبه هیچی نمی شید همین الان بهتون بگم والان

علی حاجی محمدی: شرایط خوبه دیگه اومدن این کلاس

محمد پیام بهرام پور: خوبه بله؟

حضار: بله

علی حاجی محمدی: خدمتتون عرض بکنم الان همیار ورد پرس اِ جایگاهش خُب، جایگاهش از لحاظ رتبه ای که مشخصه در رتبه ی حول و حوش صد ایرانه



بیشتر از یک نفر...

**محمد پیام بهرام پور:** صدمین وب سایت پربازدید واقعاً جای تشویق داره فوق العاده س آفرین. من براتون مثال بزنم دیگه پایینتر از صد میشه بانک ها، میشه مثلاً خبرگذاری های خیلی خاص، نمی دونم ورزش سه و اینا که همه دارند، تخصصی آموزش وردپرس بودند و صدمین سایت و این خیلی نکته ی ارزشمندیه واقعاً ارزشمنده

**علی حاجی محمدی:** مرسی

**محمد پیام بهرام پور:** خب البته ببینید من الان چهره ها رو دارم نگاه می کنم اینجوری دارند می بینید دارند تکیه می خورند ریز؟ می خواند بدونند چقدر پول در میارید؟ خیلی محترمانه ش اینه بگم راحتشون کنم اگر دوست دارید حالا یا جهتی بگید یا عددی بگید هرجوری که...

**علی حاجی محمدی:** یه چیزی در مورد پول درآوردن بهتون بگم اشکالی نداره من اسم یه نفر دیگه رام بیارم؟

**محمد پیام بهرام پور:** هر کسی

**علی حاجی محمدی:** بله، خدمتتون عرض کنم من به طور اتفاقی توی کلاسای بیزینس که می رفتم با یه فردی آشنا شدم که سیمیناراش رو می رفتم ، یعنی خیلی حال می کردم اصلاً با صحبت کردن این فرد، اون فرد هم آقای عباس منش بود.

**محمد پیام بهرام پور:** بله

**علی حاجی محمدی:** کیا میشناسند آقای عباس مش رو؟

**محمد پیام بهرام پور:** کیا می شناسند؟ بسیار عالی، خیلی عالی

**علی حاجی محمدی:** خدمتتون عرض بکنم خُب من با ایشون خیلی رفیق شدم و دیگه در حد خونه های همدیگه رفتن وبا هم...

**محمد پیام بهرام پور:** ببخشید الان شما خونه نداشتید تا اینجایی که صحبت کردید؟

**علی حاجی محمدی:** دو سه تا کمپین آره زدیم

یکی از حضار: آقای اصفهانی هم می رفتند خونه ی اونا



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** آره این راه هم میشه، بعد خدمتون عرض کنم حالا حرف قشنگی می زد میگفتش که خُب الان که دیگه ایران نیستند ولی با هم دورادور در ارتباطیم می گفت شما وقتی رو مدار پول درآوردن بیفتید آدمها هرکدوم رو به مداری هستند وقتی شما رو اون مدار پول درآوردن بیفتید پولی که می تونید در بیارید یهه تو یه سال در میارید اندازه ی مثلاً کل ده سال کارمندی بوده که کار می کردید بعد اصلاً حرفش واسه ی من قابل درک نبود ما توی همیار یه دپارتمان آموزش داریم یه دپارتمان طراحی داریم و یه قسمتی داشتیم که تو سایتمون تبلیغات می کردیم تبلیغات از اونجایی که خیلی تو مخ من بود یعنی به نظر من خیلی روش پول درآوردن ابتدایی بود و حس می کردم که دارم مثل افراد آماتور کار می کنم تبلیغات رو کلاً یه کاری کردم هیچکی تبلیغات نده ، بنرمون مثلاً ماهی پانصد هزار تومان بود تو سال که الان ماهی دوازده میلیونه هیچکی سفارش نمی ده، این تموم شد.

**محمد پیام بهرام پور:** بله

**علی حاجی محمدی:** بعد دپارتمان طراحی وبمون رو که چند ماه پیش تعطیلش کردم یعنی دپارتمان طراحی وب کارش اینه که مردم میانند سفارش میدند میگن من فلان سایت رو می خوام ما واسش راه مینداختیم بهش می دادیم اِ می خواستم تعطیلش بکنم یعنی یه ماهی هم تعطیل شد اون قسمت دیزاینمون، بعدیکی از کارمندان گفت با مسئولیت من با مدیریت من شما هیچ پولی هم نده به من فقط درصد بده من راه می ندازم. یه دپارتمان طراحی وب بود و یه آموزش، آموزش من خودم رکورد می کردم، آموزش کارایی که می کردم یعنی مثلاً مجبور می شدم واسه ی سایت مثلاً شرکتمون بشینم یه هفته روی مگا منو یا منوهای عریض مثل منوها و زیرمنوهای دیجی کالا کار کنم میومدم اینو مثلاً یه پکیج می کردم می فروختم خیلی سود داشت. در مورد عدد درآمد طبق صحبت آقای عباس منش توصیه می کنم فیلم های حداقل رایگان رو ببینید. در حول و حوش سال نود و دو خیلی خوشحال بودم ماهی دوازده میلیون تومان درآمد دارم درآمد آ نه سود.

**یکی از حضار:** دو سال پیش

**محمد پیام بهرام پور:** اِ چه جالب

**علی حاجی محمدی:** بله دو سه سال پیش، بعد خدمتون عرض کنم حالا رکوردی که تونستم بزنم واسه ی عید فطر بود که جشنواره داشتیم فقط از طریق آموزش و دپارتمان طراحی وب اونم خدا رو شکر الان جون گرفته فقط از طریق آموزش، چقدر همه منتظرن

**محمد پیام بهرام پور:** این داستان ادامه دارد...



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** در قسمت فقط از طریق آموزش تونستم تو به روز بیست وشش میلیون تومان بگیرم.

**محمد پیام بهرام پور:** آفرین، باریکلا، به نکته ای دقت کردید بعد اینکه این فروش های یهویی رو می زنی بعد دیدید تا دو ماه هیچکی نمی خره روزگرمون سیاهه؟

**علی حاجی محمدی:** آره، مثلاً نمایشگاه ها که شرکت می کنیم بعد تفکراتم خیلی مشکل داشت اولش، تفکراتم خیلی مریض بود با اینکه نود و سه نود و چهار

**محمد پیام بهرام پور:** الان خوب شدید؟

**علی حاجی محمدی:** بله

**محمد پیام بهرام پور:** خدارو شکر

**علی حاجی محمدی:** نود و سه نود و چهارم به اسماً چهار نفر منو می شناختند یعنی مثلاً سمینار که می رفتم دو سه نفر میومدند سلام می کردند و حس می کردم خُب من دیگه معروف شدم نمی خواد دیگه تلاش کنم، بعد از نود و چهار تا نود و پنج و ان شالله تا نود و شش و نود و هفت تفکراتم خیلی عوض شد بعد که عوض شد عدد فروشمم اصلاً غیر قابل باور افزایش پیدا کرد و ما مثلاً یادمه چهار روز نمایشگاه الکامپ می رفتیم از قبل یه هفته نمی خوابیدیم و پکیج سی دی تولید می کردیم و این سی دی ها رو می بردیم نمایشگاه و یه سریشون رو تو دفتر خیلی دردمس می کشیدیم چهار میلیون تومان پنج میلیون می فروختیم خوشحالم بودیم که تو چهار روز چهار میلیون فروختیم یعنی اصلاً مسخره بود ولی خُب مشکل تفکر من بود و آدمای دور و برم آدمایی بودند که وقتی برچی سه میلیون پول در می آوردن خوشحال بودند بعد با اون آدمای چرخیدم تفکر اونجوری بود، آدمای دور و برم رو عوض کردم یکی از دوستانم که بهش افتخار می کنم شد آقای عباس منش خیلی تفکر رو عوض کردند.

**محمد پیام بهرام پور:** خیلی عالی خیلی نکته ی مهمی که همه مون باید دقت بکنیم این عددهاست دیگه، شما فکر می کنم دو یا سه مرحله ی سالانه تون رو تبدیل کردید به ماهانه درسته؟

**علی حاجی محمدی:** بله بله

**محمد پیام بهرام پور:** سه مرحله؟ آها متوجه شدم خُب و دقیقاً برای منم این اتفاق افتاد، دقیقاً چیزی که سه بار این اتفاق افتاد چیزی که در یک سال در می آوردم سال بعدش تو یک ماه به دست می آوردم وسال بعدش دوباره اون یک سال رو تو یک ماه خُب، دقیقاً اتفاقی که می افته تو این چرخه ها اطرافیان به نظر من فقط همینه قبول دارید فقط واقعاً همینه؟ چون اصلاً اگه اطرافیان خوب باشن شما نمی تونید بد باشید





بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** خیلی تاثیر داره و یه جاهایی شما می ترسید یعنی مثلاً من قالب من همه کارو خودم می کردم، قالب سایتم رو خودم از اول طراحی می کردم، وردپرس رو نصب می کردم سکیور می کردم، محصول درست می کردم، بازاریابی می کردم، پشتیبانی می کردم همه ی کارا رو خودم می کردم ولی یه دوستم پیدا شد گفت چرا همه ی کارا رو خودت می کنی خُب یه کارو بده به یکی دیگه گفتم نه بابا یه میلیون یارو حقوق می گیره بعد گفت خُب بگیره مگه تو هم کم چهار میلیون مگه تو پول در نمیاری؟ گفتم چرا، گفت خُب یه تومانش رو بده به اون دیگه بعد گفتم آره راست می گی. بعد اطرافیان ما یه کارایی کردند خُب که ما جرات نمی کنیم اون کارا رو بکنیم ولی اونا این راه رو رفتند ترسشون ریخته ترس شمارام میریزن انجام میدید. الان مثلاً من خُب خونه م رو تازه عوض کردم بعد خونه م رو می خوام عوض کنم تمام حالا فامیلای مادرم تقریباً همشونم اینجان دایی و خاله و پسر دایی اینها می گفتند بابا مگه دیوانه ای الان حول و حوش یه میلیون ضرر می کنی الان مثلاً می خوام جابجا شی بری مثلاً هر روز شاید ده دقیقه بیشتر تو راه باشی گفتم خُب اوکی باشه رفاه بیشتری دارم چرا؟ چون دوستم دو روز پیش رفته بود تو اون محل ترسش ریخته بود هزینه هاشو داده بود خیلی خوبه و منم ترسم ریخت بعد اگه بخوام تکیه بکنم به حرفای مخصوصاً فامیل ها چون الان اینقدر ذهن های توی فامیل حداقل توی فامیل ما اینجوری نیست خیلی مریض و داغونه بعد ، بعد خدمتتون عرض کنم اگه می خواستم به اونا باشه اونا می گفتند همون سه میلیونی که در میاری ماهیانه همون سه میلیون نیمه واست خوبه.

**محمد پیام بهرام پور:** خُب حالا چکار باید بکنیم با فامیل؟

**علی حاجی محمدی:** فامیل دور یا نزدیک؟ فامیل فامیلا کلاً اینجوری میشینی تو جمع فامیل بله اوکی راست می گید درست می گید

**محمد پیام بهرام پور:** ما البته یه اصطلاحی داریم ، چی می گیم؟

**حضار:** بهت زنگ می زنم

**محمد پیام بهرام پور:** می گیم بهت زنگ می زنیم بله

**علی حاجی محمدی:** زنگم می زنید بعد؟

**محمد پیام بهرام پور:** زنگ صد در صد

**علی حاجی محمدی:** به هر حال فامیل دیگه الان دیگه مقاومت نکنید چون خیلی اصرار بکنید که خیلی پول در میارید اینجوری می شه کل چشم ها جمع می شه میشه گچ دست، بعد خدمتتون عرض کنم خیلی اصرار



بیشتر از یک نفر...

نکنید که آدم متفاوتی هستید هرچی می‌گن بگید اوکی یه ذره در حد تلاش بچه‌هایی رو که هنوز ذهنشون کامل شکل نگرفته رو اصلاح کنید ولی بزرگان رو اصلاً کاری نداشته باشید.

**محمد پیام بهرام پور:** واقعاً این نکته رو باید با طلا نوشت و دست بزنی خیلی مهمه واقعاً، من مثلاً یه اشتباهی که خودم می‌کردم دقیقاً شما که سال نود و دو رو گفتید این دقیقاً این عددی رو که گفتید همون عدد من بود خیلی جالب بود من تعجب کردم خیلی جالب همون سال‌ها بود مثلاً احساس تمایز رو داشتیم، نه نود و یک بود سال قبلش بود احساس تمایز رو داشتیم بعد مثلاً یه مهمونی می‌رفتیم و اینها یه مقدار خودم رو می‌گرفتم، سعی می‌کردم مرزهام رو مثلاً لحاظ کنم یا کتاب می‌خوندم، مثلاً مسافرت که می‌رفتیم و این‌ها بعد می‌دیدم که چقدر، همه دایمی مخصوصاً دایمی که مثلاً نمی‌دونم بابا آدم باش دیگه یه ذره تفریح کن دیگه نمی‌خواد فلان کنی وای پدر مارو در می‌آوردند تو این فضا و من دقیقاً یه نکته‌ای رو یاد گرفتم آقا تو فامیل الان تعطیلم هرکی منو نگاه می‌کنه می‌گه این اصلاً خلاصه‌بله؟ با شما نیستیم با فامیل خودم هستیم الان تأییدی هم می‌کنند همه آره خیلی راحت این حسش رو دارم آره این خوشه اصلاً ول داده راحت دیگه خلاص و اصلاً درگیر نمی‌شیم بحث کنیم تغییر ایجاد بکنیم اینها و جالب بود خیلی از همون کسانی که همون مسافرت‌ها به من گیر می‌دادند که بابا چقدر کار می‌کنی و خودت رو نگیر و اینها همین چند وقت پیش داشتند دنبال یه بهونه‌ای بودند بیانند یه قرارداد کاری با هم انجام بدیم که من گفتم بهت زنگ می‌زنم زنده باد؛ پس این خیلی استراتژی مهمیه، با نزدیک‌ها چکار کنیم؟

**علی حاجی محمدی:** ببینید نزدیک‌ترین افراد که خُب اعضای خانواده هستند برادر و خواهر من خیلی دارم تلاش می‌کنم چون اونها از نزدیک روندبه هر حال پیشرفت خیلی کم ما را دارند می‌بینند خیلی دارم سعی می‌کنم روشون کارکنم و اینکه سعی کنند آینده‌ی بهتری واسه‌ی خودشان بسازند ولی به هیچ کس اصرار نمی‌کنم که آقا شما حتماً باید طراح سایت بشید شما حتماً باید یه همیار وردپرس بزنی تا موفق بشید هرکسی تو هر جایگاهی و هر شغلی هست می‌تونه پولدار بشه می‌تونه اندازه‌ی طلا فروش شهر در بیاره می‌تونه ده برابر طلا فروش در بیاره ولی فقط سعی می‌کنم یه ذره تفکرشون رو درست بکنم، از کارایی که خودم کردم واسشون نمونه می‌گم کتاب بهشون پیشنهاد می‌کنم واز این طور کارها

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار خُب پس هیچ وقت اصرار

**علی حاجی محمدی:** نکنیم

**محمد پیام بهرام پور:** نباید بکنیم خیلی نکته‌ی مهمیه که باز خیلیا اشتباه می‌خواند همه رو موفق کنند

**علی حاجی محمدی:** همه رو به زور ببرند بهشت



بیشتر از یک نفر...

**محمد پیام بهرام پور:** بعداً آینده ای که می بینید برای همیار وردپرس چیه؟

**علی حاجی محمدی:** ببینید همیار وردپرس حُب اونجوری که وردپرس داره توسعه پیدا می کنه همیار ورد پرس هم دقیقاً یعنی همونجور ما الان شعارمون اینه که تو پنج دقیقه سایت می زنیم با اینکه هنوز خیلیا قبول ندارند هنوز تفکرشون اینه که نه حتماً باید واسه ی سایت زدن پوستمون کنده بشه تا بتونیم سایت بزنینم درآینده ما شعارمون این میشه که در پنج دقیقه می تونی با وردپرس اپلیکیشن موبایل بسازید بعد در پنج دقیقه به فروشگاه اینترنتی توی موبایل بسازید.

**محمد پیام بهرام پور:** خیلی عالی، خیلی خوب، حُب آینده ی آموزش آنلاین رو تو ایران چه شکلی می بینید؟ الان اول بگید چه شکلیه به نظرتون؟

**علی حاجی محمدی:** خدمتون عرض کنم، حُب ما اول که آموزش درست می کردیم اصلاً تفکرمون این بود که آموزش ها حتماً باید با سی دی باشه حتماً باید ژستمون مثل ژست پرند و کینگ و لرد و اینها باشه حتماً باید احتمالاً درآینده که پیشرفت کنیم باکس هامون خیلی کم میشه باکس هامون چوبی میشه ولی حُب تفکر عوض شد، کردم آموزش رو آموزش آنلاین گفتم آقا چه کاریه ما اگه تو یه روز ده تا دونه سفارش داشته باشیم ده تا پیک و پست و بسته بندی و پکیجینگ می شه اومدیم این رو آنلاین کردیم گفتیم داندلودیه فروش هاتون کم میشه ولی هر کی می خواد داندلود کنه و این رکورد الانی که بهتون گفتم رو تو فروش داندلودی من به دست آوردم و اگه می خواستم بیست و شش میلیون تومان رو تو یه روز پکیجینگ و بسته بندی و ارسال بکنم

**محمد پیام بهرام پور:** روحتون شاد

**علی حاجی محمدی:** کل هفت طبقه ی شرکتمون پل پیک و پست و اینها می شد

**محمد پیام بهرام پور:** چند طبقه؟

**علی حاجی محمدی:** هفت طبقه س ما یه واحدش رو داریم ولی

**محمد پیام بهرام پور:** آها، ولی خیلی هضم تجربه ی بزرگی کردم ما تو ساختمونمون توی دو تا از طبقاتش ما محصولاتمون رو که گذاشتیم حُب اوکی گرفتید پس؟ یکیش خرپشتس دیگه، حُب این از شرایط فعلی که یه نکته ای مخاطبان آقای حاج محمدی چه کسانی هستند؟ نه نظرسنجی نمی کنم فداتون بشم قشر مخاطب رو می خوام بدونم یعنی چه سبک انسان هایی؟ آدم های آنلاینند دیگه کسی که میخواد سایت بزنه خیلی آنلاینه پس خیلی راحت می تونند به نسبت بگند که محصولات داندلودی و سی دی و اینها نمی خوام داشته باشم



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی: بله**

**محمد پیام بهرام پور:** ولی همین الانم گفتند فروشم میاد پایین، پس اول کار ما اجازه نداریم اینطوری به خودمون بگیم ها یعنی نظر شما هم همینه؟ اول کار تا فروش هاشون شروع بشه قبول دارید باید سی دی هم داشته باشند؟

**علی حاجی محمدی:** بله، نگاه کنید من یه نکته ای رو خدمتون بگم چندروز پیش مادرم مهمونم بود وداشتم باهاش صحبت می کردم اینکه شما می خوایید موفق بشید شما می خوایید مثل دیجی کالا بزنید مثل آپارات بزنید مثل سایت آقای بهرام پور رو بزنید نیاید انتهای کار رو ببینید، نیاید ببینید

**محمد پیام بهرام پور:** آفرین

**علی حاجی محمدی:** که همیار ورد پرس داره آنلاین می فروشه ، همیار وردپرس داره این کار رو می کنه برید بررسی کنید اول چکار می کرده؟ اول دیجی کالا چکار کرد؟ چند سال کار کرد؟ واینکه یهو دست بزنید به این کار بگید که آقا همیار وردپرس مخاطبای خودش رو داره و واسه مردم فرهنگ سازی کرده پس منم پیام آنلاین کنم واقعاً اینجوری نیست همه چیز قدم به قدم همه چیز اول تست کنید حتماً همه پلات فرم ها رو داشته باشید همه ی راه های درآمد زایی رو داشته باشید وقتی تو یه مسیری درآمد زایی تون پر رنگ شد، مثل من تبلیغات رو حذف کنید پولش شیرین نیست ماهی پنج میلیون بیشتر نمی ده دردم داره

**محمد پیام بهرام پور:** دقیقاً

**علی حاجی محمدی:** حذف می کنید ولی خُب قدم به قدم دیگه الان آموزش آنلاین و آموزش سی دی هم همیجور، ما خُب اولش خُب دیگه فروشمون اینقدر هستش که حذف بکنیم بیست درصد سی درصد بریزه بازم واسه ما بقیش سود داره

**محمد پیام بهرام پور:** اون بیست درصد سی درصدی که می ریزه جاش سه تا نیرو حذف می شه بنابراین سودش کاملاً می صرفه، ولی ابتدای کار ما تو همه ی حالت ها مثلاً همین الان یه ایده ای به ذهنم رسید ببینید چقدر با حاله می تونه محصولات ما توی تلگرام ارائه بشه یعنی شخص که خرید رو تلگرام براش بفرستید خُب ارسال میشه به دیگران خُب بشه ما پولشو داریم در میاریم تبلیغات رایگانم می شه یعنی نه تنها رو سی دی نه تنها داندلود اصلاً از این به بعد تلگرام هم اضافه شد میشه رباتش رو نوشت اتوماتیک این اتفاق بیفته؟

**علی حاجی محمدی:** بله

**محمد پیام بهرام پور:** چه با حال پس من بعداً بهتون زنگ می زنم، خیلی عالی



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** آموزش آنلاین هم به سواالتون جواب میدم یه چیزی می گم جواب سواالتونه آموزش آنلاین هم خدمتون عرض کنم در آینده خیلی همه گیر میشه الان یه بازار خیلی شلوغیه که تقریباً همه دارند واردش میشن صرف اینکه آنلاین بودن خوشحالم که ما داریم آموزش آنلاین می بینیم ولی در آینده کیفیته خیلی مهم می شه مثل یودنی که وقتی من می خوام بخرم واسه من تعداد دانشجوهاش، تعداد ریتینگ هاش اینها همش واسه من مهم میشه بعد خریداری می کنم به نظر میاد روی کیفیت خیلی کارمی کنند در آینده

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی، یعنی من آنچه که متوجه شدم می گید الان حالا الان بازار آموزش خوبه مثلاً سه سال چهارساله دیگه پُر می شه هر جا رو نگاه میکنی پُر مدرس دیگه آنچه را که مردم نگاه می کنند کیفیته اینکه چند نفر شرکت کردند تو اون دوره، چقدر عضو داره، نظر شرکت کننده ها راجب اون دوره چیه درسته؟

**علی حاجی محمدی:** بله

**محمد پیام بهرام پور:** پس باید رو کیفیت کارمون وبه قول خودمون گاوای بنفش خیلی باید زیاد کار بکنیم که با بسیاری از دیگران متفاوت باشیم بله مرسی از شما، بزرگ ترین ترستون چیه؟ می خواییم بریزه ترستون

**علی حاجی محمدی:** ترس، ترس خاصی نیستش ، ماشین رنگی

**محمد پیام بهرام پور:** الان با آقای خادم زاده آشناتون می کنم ، ترس ایشونند ، ایشون گفتم یه نفر خفت گیری می کنند ایشونند زنده باشید

**علی حاجی محمدی:** ما گردنمون از مو هم باریک تره، ترسم اینه که برم ماشین بخرم رنگ دار باشه بهم نگه

**محمد پیام بهرام پور:** الهی بمیرم، کسی می تونه کمکشون کنه تو این حیظه؟ شما؟ چطور؟

**یکی از حضار:** مگه اینکه از برادر خانمت خریده باشی

**علی حاجی محمدی:** حالا یه ماشین خریدم یه جوری سرطان شده بود نمی دونستم حالا چطوری بفروشم؟ نمی تونستم برم میل برد بزنم تو همت بگم آقا این ماشینم رو می خوام بفروشم آخر با ده میلیون ضرر فروختم راحت شدم خوشحال شدم

**محمد پیام بهرام پور:** خدا رو شکر



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** کسب و کار همینه

**محمد پیام بهرام پور:** الهی بمیرم

**علی حاجی محمدی:** بله دقیقاً الان من اصلاً کلاً ماشین بخوام بگیرم قطعاً صفر می گیرم ثبت نام می کنم می گیرم

**یکی از حضار:** صفرشم حالا مواظب باشید تگرگ خورده نباشه

**علی حاجی محمدی:** آها صفرشم تگرگ خورده باشه

**محمد پیام بهرام پور:** می دونید خوبی جمع ما می دونید چیه؟ هرچی می خواهید بگید حدود دویست، دویست و پنج تا کارشناس داریم که قشنگ نظر میدند و غالب نظرات هم متناقضه قشنگیش اینه، الان مثلاً شما دوست دارید در مورد چی حرف بزنید؟ می خواهید وردپرس رو بهت یاد بدن دوستان؟ صبر کنید سوال آخر: بزرگترین اشتباهتون چی بوده؟ یعنی واقعاً تو کسب و کار از هیچی نمی ترسید؟ مثلاً اینکه فیلتر بشید

**علی حاجی محمدی:** نه به هر حال راه حل داره دیگه هرچیزی

**محمد پیام بهرام پور:** هرچیزی؟

**علی حاجی محمدی:** من نگاه کنید یه مشکلی تو کسب و کارم به وجود اومد که بدتر از این مشکل وجود نداره به نظر من و از اون وقتی که این مشکل به وجود اومد کلاً دیگه نترسیدم آقا بالاتر از سیاهی رنگی نیست که، شما بیاین بیان از فردا شناسنامه تون رو برین کلاً اسمتون شده اصغر فرهادی مثلاً حُب کلاً هوبتون رو ازتون بگیرند، من یه سایتی داشتم اول که همیار وردپرس رو زدم دقت نکردید من اون اول سایتم وردپرس نود و هشت دات کام بود و بعد شد همیار دلبیو پی دات کام؛ ورد پرس نود و هشت دات کام چه اتفاقی افتاد؟ ما داشتیم کار خودمون رو می کردیم سال فکر کنم ۲۰۱۰ شروع کردیم ۲۰۱۱ وسطاش بود، دیدم که یه سری میل های خارجی داره واسه من میادو گفتم احتمالاً این سایتای اسپم و اینان اسپم کردم بعد دیدم میل ها داره زیاد میشه، میل ها اتیچمنت داره، وقتی میل ها ضمیمه داشته باشه قطعاً اینها دیگه اسپم نیستند ایمیل مارکتینگ هم نیستند اینها ایمیل هایی هستند که با دست ارسال میشن، دیدم نوشته وردپرس وی اس علی حاج محمدی بعد گفتم جالب شد باز کردم دیدم چی نوشته بعد نوشتش که آره دامنه ی ورد پرس نود وهشت من وکیل سازمان وردپرس از ایالت متحده ی آمریکا هستم بعد خدمتون عرض کنم از شما شکایت شده بعد من گفتم حُب احتمالاً تخلفی کردیم اوکی حالا یه یو آر اله پاک می کنیم دیگه

**محمد پیام بهرام پور:** زنگ می زنند بهشون



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** آره، بعد گفتش که گفت نه شما دامنه تون روی دامنه تون تخلف کردید باید برید دادگاه قسمت آنلاین حضور پیدا کنید، حالا یا دفاع کنید یا مجرم شناخته بشید دامنه تون رو ازتون بگیرند بعد گفتم قضیه چیه؟ گفت قضیه اینه که رتبه ی الکساتون خیلی خوبه وردپرس نود و هشت دات کام و احتمالاً این رتبه را از تشابه اسم وردپرس دات کام و وردپرس نود و هشت دات کام به دست آوردید و شما کاربران رو همراه کردید ضمن اینکه اینقدر هم گزارش ایرانی بود که این آقا داره تو سایتش تبلیغات می کنه ، پول در میاره این خلاف قوانین وردپرسه و خلاصه چشم رو هم گذاشتم دیدم که دامنه از پنلم خارج شد و بهم گفتند که دیگه دامنه ی وردپرس نود و هشت دات کام واسه ی شما نیست فکر کنید مثلاً دامنه ی بهرام پور دات کام رو بگیرند، بهرام پور بزرگ بیاد شکایت کنه.

**محمد پیام بهرام پور:** من؟ بگیرند

**علی حاجی محمدی:** بعد دامنه م رو که ازم گرفتند دامنه م رو عوض کردم با تمام رتبه ی خوبی که داشتم الکسای خوبی که داشتم رنگ گوگلی که داشتم دامنه رو ازم گرفتند خُب اوکی من رفتم یه دامنه ی دیگه ثبت کردم همیار دبیلو پی دات کام دوباره شروع کردم و هیچ اتفاقی هم نیفتاد در مورد فیلتر و فیلترینگ هم که راه به راه ما را گزارش دادند دیگه به هر حال ایرانی ها زحمت می کشند و دوستان گزارش می دند یکی از گزارش ها رو بهتون بگم به نظرتون چجوری میشه که همیار وردپرس رو بخواییم فیلتر کنیم؟ چرا باید فیلتر کنیم؟

**یکی از حضار:** عکس مطالب رو گذاشتند

**علی حاجی محمدی:** الان عکس مطالب رو گذاشتند

**محمد پیام بهرام پور:** این خودش به جان خودم گزارش داده ها

**علی حاجی محمدی:** یکی از دوستان زحمتکش...

**محمد پیام بهرام پور:** واقعاً اینطوریه ها یعنی اینکه میگه اصلاً نخندید یک گزارش هایی میدند، یه کارایی می کنند، پرونده درست می کنند حال فحش تو کامنت ها و اینها دیگه ساده ترین چیزهاست دقت کردید اون موقع که گفتم جان؟ گزارش مثلاً دارم میگم به سامانه ی فیلترینگ می گند آقای حاج محمدی مشکل اخلاقی داره اونا نمی دونستند که بعد متوجه می شنند سایت و فیلتر می کنند.

**علی حاجی محمدی:** گزارش مثلاً یکی از گزارش هایی که دادند که ما تو سایتمون آموزش گذاشتن دکمه ی لایک فیس بوک پایین مطالب بود.



بیشتر از یک نفر...

محمد پیام بهرام پور: واقعا براتون متاسفم، خیلی

علی حاجی محمدی: چون تلگرام خیلی پاک و منزله تلگرام بازه ولی فیس بوک فیلتر.

محمد پیام بهرام پور: دقیقاً می تونند این مشکلات رو دربیارند، ولی یه حرف خیلی بزرگ زدند دیگه دقیقاً تو مایه های همون جمله ای بود که میگن حضرت علی را از شهادت نترسانید تو همون مایه ها ست که بابا بدتر از این همیشه دیگه مثل این می مونه مغازه ی شما رو با محتویاتش وداشتند انداختن دادند به یکی دیگه دوباره از اول شروع کردند گریه کردید؟

علی حاجی محمدی: نه

محمد پیام بهرام پور: ای بابا اصلاً یه ذره، اصلاً همینجور ریلکس؟

علی حاجی محمدی: همینجور ریلکس

محمد پیام بهرام پور: احساس داری؟

علی حاجی محمدی: یه مقدار

محمد پیام بهرام پور: می فهمید احساس چیه؟ مرسی از شما مرسیفوقاً جا داره تشویق کنید تمام زحماتشون وقتی ...! دوستان چشم اندازی که شما اینجا دارید می بینید اهدف اصلی همه که شرکت کردند این که دوست دارند جز مدرس های مطرح کشور بشند و مفید باشند حالا یه تعداد با تلاششون موفق میشند یه تعداد با تلاش نکردنشون خیر؛ ا بیاییم حالت ایده آل رو نگاه کنیم فرض کنیم همه نهایت تلاش رو می کنند و قبول دارید کسی تلاشش رو بکنه تو ایران نتیجه می گیره؟

علی حاجی محمدی: قطعاً نتیجه می گیره ایران و جهانبه نظر من

محمد پیام بهرام پور: زنده باد، ا پس همه قاعدتاً با تلاششون نتیجه رو ان شالله می گیرند امکان داره که سختی یا مشکلی رو تجربه نکنند؟ تومسیر موفقیتشون یعنی یه بلاهایی این شکلی سرشون نیاد یا مثلاً گزارش تخلف نندند یا فلان امکان داره؟

علی حاجی محمدی: خدمتتون عرض بکنم یه نظریه من بهتون بگم و اینو همیشه تو ذهنتون داشته باشید و بعداً چند تا مثال می زنم که کامل متوجه بشید که اصلاً شما اگه می خوایید موفق بشید ساخته شدید واسه ی رویارویی با مشکلات؛ ا شما حرکت یه دونه آونگ رو در نظر بگیرید من حالا مجبورم چون با یه دست می تونم کار کنم مجبورم که میکروفون رو دستم بگیرم بدون میکروفون صحبت کنم





بیشتر از یک نفر...

محمد پیام بهرام پور: بدید من بگیرم براتون

علی حاجی محمدی: نه اوکیه، می شنوید الان؟

حضار: نه نمی شنویم

علی حاجی محمدی: نه نمی شنوند

محمد پیام بهرام پور: میگی می شنوید نه نمی شنویم این واقعاً

علی حاجی محمدی: خدمتتون عرض کنم شما حرکت یه آونگ رو در نظر بگیرید شما در نظر بگیرید یه طرف موفقیته و هرچه قدر این بیشتر میشه موفقیته هم بیشتر میشه یه طرف هم شکست و مشکلات و گریه و اخراج کارمند و شکایت کارمند و اینهاست این آونگه تکیون می خوره؛ زندگی های اون فامیلامون که بهتون گفتم اینجوریه آونگه تقریباً سکونه زندگیا ی ما اینجوریه، زندگیا ی آدمای موفق تر از ما آدمایی که رو مدار بالاتری از ثروت از ما هستند اینجوریه، بعد شما الان هرچه قدر

محمد پیام بهرام پور: تموم شد؟

علی حاجی محمدی: بله حرکت آونگ تموم شد، هرچه قدر بخواید موفق تر بشید شکست های بزرگ تری رو می خورید اون زمون ها مثلاً اون زمون ها که میگم همچین دور نیست دو سه سال پیش مثلاً یادمه

محمد پیام بهرام پور: نصف جمع منتظر زمان شاه بودند

علی حاجی محمدی: سه سال پیش مثلاً چهار میلیونی رو که یکی سرم کلاه گذاشت خیلی ناراحت شدم اصلاً حس کردم بزرگ ترین اتفاق زندگیم این بود، پارسال شد چهل میلیون سرم کلاه گذاشتند

محمد پیام بهرام پور: ان شا الله چهارصد رو امسال می زنند، به افتخارشون

علی حاجی محمدی: بعد خدمتتون عرض بکنم حالا مثلاً با اون مثلاً عددهاش خیلی جالبه گفت آره یه کارخونه با یه بنده خدایی زدیم چهار میلیارد تومان ضرر کردیم همس هم مضرب چهاره

محمد پیام بهرام پور: آره اصلاً کلاً ورشکستی رو چهاره ها

علی حاجی محمدی: ولی مثلاً اونا خُب عددهاشون خیلی بزرگتره اونا مثلاً چهل میلیارد سالی در میانند چهار میلیارد هم به مشکل می خورند ولی خُب تو این مسیری که اومدیم به اندازه ی کافی ازمون شکایت کردند، به اندازه ی کافی سرمون کلاه گذاشتند، چک بی محل دادند، کارمندامون بهشون لطف کردیم، انگیزه



بیشتر از یک نفر...

دادیم پاشدند رفتند و از مون شکایت کردند همه ی این مشکلات بوده فیلترینگ اخطار داده ،وردپرس اخطار داده، تم کارس اخطار داده، همه ی اینها اخطار ها و مشکلات و اینها بوده ولی خُب باید همه رو بذارید کنار هم حل کنید، آماده باشید و از اونور هم به موفقیتتون افتخار کنید.

**محمد پیام بهرام پور:** خیلی مثال قشنگی بود مثال آونگ، قشنگ تو این دوره همچین اینور اونور بشید ان شا الله مخصوصاً دوره ی کتاب نویسی در خدمتون هستیم. بزرگترین اشتباهتون چی بود؟

**علی حاجی محمدی:** بزرگترین اشتباهم یه برهه زمانی اصلاً نمی فهمیدم مشاور چیه، خُب یعنی مثلاً از چهارده پانزده سالگی که من شروع کردم توی کار با اینترنت یکی اون اول بالا سرم نبود بهم بگه که برو اصلاً شما این کار رو بکن درسته ، برو ده سال دیگه ملت ایران می فهمند ای کامرس چیه، برو ای کامرس کار کن، اون زمون نبود و همه کاری می کردیم ، یه برهه زمان جلوتر که دیگه خودم آزاد شدم، اهمیتش رو نفهمیدم و درکل بزرگترین اشتباهم عدم استفاده از مشاور بود.

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی

**علی حاجی محمدی:** والان در یک سال و نیم دوسالی که حالا خدا کمکمون کرده و پیشرفت کردیم اینکه مشاورهای خوبی دارم توی کارم که مثل من درگیر کار نیستند از دور همیار رو می بینند، از دور فیدبک های کاربران همیار رو می بینند و میاند بهم مشاوره میدند این توصیه می کنم که حتماً حتماً حتماً از مشاورها استفاده کنید.

**محمد پیام بهرام پور:** مرسی، خُب از چندتا از استادها، کسانی که یادگرفتید، مشاوراتون نام می برید؟ معرفیشون می کنید اگه ایرادی نداره؟ اونایی که میشه

**علی حاجی محمدی:** بله خواهش می کنم، اِ خُب اولین فردی که تفکر من رو نسبت به بیزینس عوض کرد و آشنایی با شما هم اونجا داشتم آقای ژان بقوسیان بودند مدیر سبز که واقعاً عالین، واقعاً کارشون خوبه، واقعاً تفکرشون خوبه و من قبولشون دارم

**محمد پیام بهرام پور:** اینقدر گفتیم همه ی دوستان می دونند و حتماً عضو ایمیل هاشون هم باید بشین آ یعنی خیلی چیزای مهم دریافت می کنید حتماً اصلاً در حقیقت آشنایی ما از همون جا شروع شد، اول آشناییمون یادش بخیر

**علی حاجی محمدی:** کافی شاپ... خدمتون عرض بکنم دومین نفری که باز زندگی من رو دگرگون کرده البته خُب آقای بهرام پور رو وقتی آشنا شدم فهمیدم که یه چیزایی به اسم فن بیان و سخنرانی و اینها هستند، خیلی خیلی اتفاقی چون نزدیک خونه مون بود کلاسشون رفتیم کلاس آقای جمال قمری بودند که



بیشتر از یک نفر...

اولش آره گارد داشتم نسبت بهشون خُب آدم می خواد بشینه سرکلاس گارد داره دیگه نمی دونه یارو چی می گه، یا حس می کنه یارو بی سواد یا هرچیزی که هست ولی رفتم کلاس آقای قمری واقعاً خوب بودند حوزشون البته خیلی به حوزه ی آقای بهرام پور نزدیک میگم اصلاً آشنایی این باب از آقای بهرام پور بود بعد رفتم کلاس آقای جمال قمری که خوب بودند.

**محمد پیام بهرام پور:** ببخشید مذاکره و هیپنوتیزم کلامی کار می کنند ایشونم مدرس موفق اند من ویدیو ازشون دیدم حضوری ندیدم ولی تو ویدیوهاشون واقعاً فوق العاده بودند، بله

**علی حاجی محمدی:** و آقای عباس منش هم واسه ی اینکه تفکرتون عوض بشه نگاه کنید یه وقتی هست شما قرار رشد کنید ولی از چند بُعد باید رشد کنید یه بُعد فردی داره یه بُعد ترسیم کاری داره باید سعی کنید از همه ی ابعاد رشد کنید و آقای عباس منش خیلی کمکتون می کنه در کنار تخصص هایی که تو مدرسه ی استادی یاد می گیرید تفکرتون زیبا بشه، تفکرتون شجاع بشه، ریسکتون کمتر بشه.

**محمد پیام بهرام پور:** من خیلی زیاد، من راستش اولین برخوردی که با آقای عباس منش داشتم اصلاً باهاش نتونستم ارتباط بگیرم و یه خُرده برام عجیب بود کلاً چرا مثلاً این مدلیه؟ مثلاً به مخاطب هاش می گه بچه ها نمی دونم فلان مثلاً من تو مهد کودک هم نمی گم بچه ها ولی اثری که رو آدم گذاشته فوق العادست وبعد از اون دیدم اچقدر از بهترین دوستای من، بهترین شرکت کننده های کلاس من می گن اصلاً من تعطیل بودم ایشون ما رو آورده تو خط و واقعاً نظرم عوض شد خیلی بیشتر پیگیر کارشون شدم و آدم بسیار موفق هستند حیف ایران نیستند وگرنه حتماً می شد از حضور ایشون هم استفاده کرد، شاید بتونیم یه ارتباط ویدیویی چیزی بگیریم سرکلاس و به صورت حالا اسکایپ واینها یه گفتگویی داشته باشیم واقعاً حتماً آموزش های رایگانشون هم فوق العاده می تونه دید رو عوض کنه یکی از در حقیقت آموزش های رایگانشون رو اگه بخوایید توصیه کنید به دوستان چیه؟

**علی حاجی محمدی:** والا من هر برهه زمانی که دیگه دپرس می شم و حس می کنم مسیر رو تا اینجا اشتباه اومدم و همه ی اینها فیلم های انگیزشی رایگانشون رو می بینم ولی آخرین آموزشی رو که ازشون خریدم آموزش اعتماد به نفس بود خیلی جالب بود که بعد دیدم بعد ا یه برهه زمانی می گفتند فلان بازیگر معروف که الان شبکه ی نسیم برنامه داره خیلیم پُر طرفداره، می گفت این اعتماد به نفس خیلی پایینه گفتیم بابا چی پایینه یارو تو تلویزیون، چندین میلیون آدم می بینند، حرف می زنه ، جلوی اون همه مخاطب فلان ، گفت نه اعتماد به نفس واقعاً پایینه ولی فیلم آموزش حالا افزایش اعتماد به نفس ، به دست آوردن اعتماد به نفس رو دیدم، دیدم واقعاً همینجور و اگه حالا اینقدر این آدم مغرور هستش که قبول نکنه ولی اگه افراد آدم قبول بکنند که اعتماد به نفسشون پایینه خیلی مشکلات حل می شه، خیلی ذهن آدم حل و باعث می شه ضمن اینکه ما الان خودمون حواسمون نیست و منم همینجور بودم خیلی از کارام رو فقط به خاطر



بیشتر از یک نفر...

اعتماد به نفس پایینم انجام می دادم فقط به خاطر اینکه دوروبریام بگن واو انجام می دادم ولی اعتماد به نفستون بره بالا دیگه خیلی از کارایی رو که الان می کنید رو نمی کنید.

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی مثل چی؟

**علی حاجی محمدی:** ببینید مثل همینجور راه به را ماشین عوض کردنی، مثل خونه عوض کردنی، مثلاً میگی که خُب آقا شما الان بی ام و دارید خُب چه اصراری دارید برید بنز بخرید که خُب بنز خُب باکلاس تره واقعاً بنز چیزی نیستش که شمارا به هدفتون بنز هم بخرید بعدش باید مازراتی بخری، مازراتی هم بخری احتمالاً میخوایی هواپیما بعدش بخری، ولی خدمتتون عرض کنم خیلی از کارا مثل محل خونه را انتخاب کردن، شرکتتون شرقی می ریم شمال غرب خونه می گیریم این یکی از چیزایی هست که انجام می دیم و خیلی به خودمون زحمت می دیم و ضرر می زنیم، می تونیم شرکتمون شرقی شمال شرقی خونه بگیریم که اینقدر خودمون رو اذیت نکنیم ولی واسه اینکه مثلاً بگیم که اونجا بهتر از اینجاست خیلی کارا داریم انجام می دیم.

**محمد پیام بهرام پور:** خیلی نکته ی مهمیه مخصوصاً این آخریه من خودم واقعاً این ملاک رو دارم برای خودم فاصله ی خونه تا محل کارم چون دست خودم اصلاً طاقت ندارم پیاده بیشتر از هفت دقیقه راه باشه هیچ وقت و واقعاً چقدر تاثیر داره رو خیلی از کیفیت های زندگی کار و اینها، چند نفر این شرایط رو دارند که خونه و کارشون نزدیک به هم؟ بسیار عالی و فکر کنم دوست

یکی از حضار: تهران - بندرعباس

**محمد پیام بهرام پور:** آره تهران - بندرعباس چسبیده به هم دیگه، خیلی مهم مرسی از اینکه این رو گفتید و ممنونم از شما. پس شد مدرس هایی که گفتید: آقای بقوسیان، آقای قمری، آقای عباس منش دیگه؟ ادامه داره؟

**علی حاجی محمدی:** نه دیگه همینهاست

یکی از حضار: بهرام پور؟

**محمد پیام بهرام پور:** نه نه ما فقط دوستیم دوست معمولی اصلاً کلاس و اینها...

یکی از حضار: جاست فریند



بیشتر از یک نفر...

**محمد پیام بهرام پور:** عرض به خدمتتون که توصیه، یه جا یه چیزی گفتید می خواستم وسطش یه سوالی بپرسم، خیلیم مهم به نظرم اومد حالا...

**علی حاجی محمدی:** یه چیزیم گفتید من یادم رفت جواب بدم نمی دونم اصلاً پرسیدید؟

**محمد پیام بهرام پور:** گفتم از چه کسانی مشاوره و اینها تون چه کسانی هستند؟

**علی حاجی محمدی:** نه نه حالا مشاورام راسیتش جوانند زیاد توصیه نمی کنم ولی کنار خودمون دارند رشد می کنند رشته ی دانشگاهیشون مدیریت و منابع انسانی و اینها بوده و زیاد تجربه ندارند بخاطر همین توصیه نمی کنم ولی کسانی اند خیلی سخت کوشند تو اون زمینه یعنی اونا مطالعه تو زمینه ی مدیریت و منابع انسانی می کنند منم که تخصصی تو این زمینه ندارم تو فیلد خودم تحقیق می کنم | یه سوال پرسیدید گفتید توصیه ای دارید واسه ی این دوستان که قرار مدرس بشند.

**محمد پیام بهرام پور:** گفتم ممکن مشکلی نبینند تو این مسیر که شما آونگ رو زدید تو سرشون دیگه قشنگ متوجه شدند

یکی از حضار: توصیه رم بذارید بگند

**محمد پیام بهرام پور:** الان داشتم می پرسم دیگه چشم چشم میگند حیف چون آقای قندی هم همشهریتون هستند آره می گند به هر حال استاد اومده هیفس یه ذره استفاده بکنیم. توصیه به بچه های استادی خُب موضوعشون رو فعالیت هاشون رو می دونید یعنی دوره ی استادی چه رویکردی داره؟ عملاً همون دوره ی کارخانه تولید اطلاعات می خوام چون با هم اونجا آشنا شدیم اون دورست با رویکرد سخنرانی یعنی دوستان می خواند سخنران مطرحی بشند که وب سایت هم کنارش دارند این رویکرده با این توضیحات حالا برای دوستان یک توصیه ای، نصیحتی، وردی، چیزی اگر که...

**علی حاجی محمدی:** خواهش می کنم، خدمتتون عرض کنم توصیه که خُب خیلی زیاده البته من که واقعاً کوچک همه ی شما هستم | ولی خدمتتون عرض بکنم، یه چیزی که خیلی تو کلاسای آقای بقوسیان هم منو اعصاب منو خُرد می کنه و احتمالاً کلاس شما هم به این مریضی بیفته ولی امیدوارم زودتر ریشه کن بشه اینه که آدما خودشون نیستند یعنی هرچیزی که سر کلاس آقای بقوسیان مثال زده می شه همون پیاده می شه خُب یعنی مثلاً می گن.

**محمد پیام بهرام پور:** کپی کارند یعنی



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** آفرین، یعنی مثلاً شما دارید با رویکرد سخنرانی درست می کنید، آموزش می دید بچه ها سخنرانی می‌شوند عین بهرام پور

**محمد پیام بهرام پور:** سبک شخصی چیزی که دارم راجبش صحبت می کنیم معمولاً تو کلاس رعایت نمی شه یعنی شرکت کننده ها می‌شوند کپی کار مدرس بله.

**علی حاجی محمدی:** دقیقاً، دقیقاً یعنی مثلاً منم حتی تو کلاس هستم یعنی مثلاً وب مستران هوشمند با این رویکرد که ما می‌خواهیم الان یه سایت فروشگاهی فول سئو یاد بدیم بزنید بعد همه بعد از دوره یه سایت فروشگاهی دقیقاً فول سئو می‌زنند. نگاه کنید کسانی که می‌اند ادا بقیه رو درمیانند هیچ جایگاهی ندارند، و اگه کپی می‌کنید اگه هیچ برنامه‌ای واسه یه کار پرسنال و یه استایل خاص واسه یه خودتون ندارید بدونید که شکست می‌خورید از اون شکست‌هایی که باید فیلد کاریتون رو عوض کنید کامل یعنی زندگی ادامه داره ولی با یه فیلد دیگه

**محمد پیام بهرام پور:** یعنی فقط فحش ندادند دیگه برای کپی کارا بخاطر اینکه ا دقت کنید ساعت پیش هم آقای سنم پور هم همین حرف رو داشتند که هرکسی متناسب خودش حتی پوششش، دقیقاً متفاوته شما از پوششش از نوع سایت... پس این خیلی مهمه پس یکی اینکه کپی نکنیم و با فکر این کار رو انجام بدیم این یک

یکی از حضار: توصیه

**محمد پیام بهرام پور:** به هر حال پول داده دیگه توصیه می‌خواد

**علی حاجی محمدی:** این تا ده تا نگیره ول کن نیست

**محمد پیام بهرام پور:** کته را پس دادید؟

**علی حاجی محمدی:** خدمتتون عرض کنم والا توصیه که خیلی زیاده ولی

یکی از حضار: خوباشو بگو

**علی حاجی محمدی:** بدون هزینه هاشو بگم، خدمتتون عرض کنم یه کاری که حالا بهتون توصیه می‌کنم حتماً یه سری یه فیلمیه ببینید منو دعوت کردند تو یه برنامه‌ای که از زندگی‌م یه مستندی درست کنند کلیپ که خُب حس کردم خُب چقدر آدم معروفی شدم که دارند ازم کلیپ درست می‌کنند بعد رفتن بقیه ی کلیپ‌ها رو بعد از اینکه کلیپ خودم ساخته شد رو دیدم دیدم اصلاً نبودم اینها خیلی خفنند یه برنامه ی



بیشتر از یک نفر...

کلیپ توی آپارات هست کانال رسمی آپارات برنامه ی علی بابا رو حتماً ببینید آقای حسینی نژاد عالیند یعنی اصلاً حتی بیارید اینجا دور همی، خدمتون عرض کنم من یه مشکلی که قبلاً داشتم فکر می کردم یه آدم همه فن حریفم و همه ی کارها رو می تونم خودم بکنم ولی یه برهه زمانی یه حرف جالبی که آقای حسینی نژاد می زد می گفت که ما تو مجموعه ی علی بابا که توی یه سال شدند دوپست و پنجاه نفر

**محمد پیام بهرام پور: ماشاالله**

**علی حاجی محمدی:** رشدشون وحشتناک خوبه و خُب به نسبت عددشون هم زیادتیر شده عدد فروششون می گفت یه کاری که یه قانونی که ما توش شرکتمون داریم اینه که هر مدیری خُب اونا مشکل منابع انسانی مثل ما ندارند که مستقیم با منابع انسانی در ارتباط باشند، مدیر منابع انسانی دارند، مدیر داخلی شرکت دارند، و مدیرها واسشون کار می کنند، می گه ما یه قانون داریم می گیم که هر مدیری سرش شلوغ باشه بی عرضه ست واین یعنی چی؟ این یعنی اینکه شما یا یه کاری رو انجام می دید یا یه کاری رو تصمیم داری انجام بدی به شرطی که خودت مسلط باشی ا یه کاری رو انجام می دی که واست توجیه اقتصادی داره میگی که آقا مثلاً من این کار رو انجام بدم ماهی مثلاً پنج میلیون ده میلیون واسم پول سازی می کنه اگه توجیه اقتصادی داره یه کارمند استخدام کن یه تومان بهش بده این کار رو انجام بده طوری که کار مادام باشه نه اینکه مثلاً یه کاری باشه که یه ماه فقط انجام بدی بعد بیخیال بشی نه این یه ماهی ها رو خودتون انجام بدید ولی یه کاری که مادام باید انجام بدید آخه من نمی رسم بفروشم ، پشتیبانی بدم، پکیج طراحی کنم، ادیت فیلم کنم ، آپلود بکنم خُب حجم کاری ما یه مقدار تو همیار بالاست، یا یه آدم رو استخدام می کنی واسه اون کاری که توجیه اقتصادی داره یا اون کاره توجیه اقتصادی نداره انجام نده.

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی، فقط یه سوال؟ دوستان الان هیچ منبع درآمدی ندارند والان هم باید به نظرتون استخدام بکنند بسپارند یا اول باید یاد بگیرند؟ نظر شما چیه؟

**علی حاجی محمدی:** ببینید کلاً من چون یه راهنمایی خیلی خطرناکی تو زندگیم کردم و خیلی ترسیدم اینکه برادرم با زن و بچه بهش گفتم از کارمندی کلاً بیا بیرون بشو کارآفرین بعد یه دو سه ماهی بعد اینکه این حرف رو زدم دیدم اصلاً وضع و اوضاعش خراب شد به خاطر چی؟ به خاطر اینکه خیلی صفر و یکی عمل کردم یعنی مثل بقیه کارام که بگم امروز نه دیگه از فردا هیچکی تبلیغات نگیره تو همیار فردا نگیریم. من اینجوری گفتم بعد کلاً رویکردم نسبت به تصمیم گیری عوض شد و اینکه تصمیم گرفتم همه چیز آروم آروم والانم حتی بعضی از سمینارها کسی میاد جلو از من می پرسه که آقا من کارمندم می خوام کارآفرین بشم میگم حتماً قرارداد سال بعدت رو پارت تایم ببند بعد اینکه پارت تایم بستی سال بعد حتماً قراردادت رو فسخ کن خودت کار کن و سال بعد حتماً یه نفر رو استخدام کن.

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی



بیشتر از یک نفر...

**علی حاجی محمدی:** یه سال کار کنید پول دربیارید وبعد استخدام کنید

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی، خیلی نکته ی مهم .یه چیز جالبی بگم من دوست دارم تو این گفتگو هامون همیشه یه حرفی خلاف خواسته ی من زده بشه مثلاً الان واقعاً دوست داشتم آقای حاج محمدی بگند که نه به نظر من از اول یکی رو برید بگیرید یه کارمندی رو بگیرید و داشته باشیم که این درس مهم رو بگیریم که روش های موفقیت مختلف یکی می گه باید بگیریم یکی می گه نباید بگیریم کدوم درسته؟ هردوتاش درسته، بستگی به نوع کار، شخصیت ما واینها داره ولی جالبه دقیقاً همه ی اونها مشترک و به نظر میاد یه سری چیزها اصلاً حالت دیگه ای خیلی توش متداول نیستش بعضی ها که دقیقاً الان ما رو نگاه می کنند الان شما چندتا نیرو دارید؟

**علی حاجی محمدی:** ما هشت تا

**محمد پیام بهرام پور:** تو ساختمونتون نه ها تو واحدتون

**علی حاجی محمدی:** کل هفت طبقه ای که هست خُب ساختمونمون رو همه چینی ها گرفتند کارمندان هواوی اند ولی خودمون تو همیار هشت تا حضوری هستیم و دو نفر هم غیر حضوری

**محمد پیام بهرام پور:** ده نفر Tخیلیا میاند الان نگاه می کنند و میگند خُب دیگه مام باید یه دپارتمان فلان داشته باشیم نه همه ی اینها اول مگه خودتون نبودید؟

**علی حاجی محمدی:** اول خودم تنهایی اومدم تهران اصفهانم که کل دو سال تنها کار می کردم با اینکه دفتر داشتمهم آبدارچی بودم هم در نقش مدیرعامل، منشی وبقیه ی نقش ها فعالیت می کردم

**محمد پیام بهرام پور:** چه منشی خوبی ولی

**علی حاجی محمدی:** آره، بعد خدمتتون عرض کنم تهرانم که اومدم یه شش ماه اول بغل سینما فلسطین یه اتاق از دفتر گرفته بودم که اونجاهم تنها بودم

**محمد پیام بهرام پور:** بسیار عالی، بعدش دیگه به هر حال

**علی حاجی محمدی:** بعد یه نفر غیر حضوری یه نفر حضوری بعد کم کم یه نفر حضوری دو نفر سه نفر اینجوری

**محمد پیام بهرام پور:** چه جالب دقیقاً منم اولین نفر غیر حضوری، بعد حضوری شد بعد دیگه چقدر جالب

بیشتر از یک نفر باشید...